



وطن watan

ارگان نشراتی شورای اروپایی حزب واحد

## رئیس دفتر دکتر نجیب الله در برنامه به عبارت دیگر



محمد اسحاق توخی 14 سال دستیار دکتر نجیب الله رئیس جمهوری پیشین افغانستان بود و چهار سال با او در دفتر ملل متحد در کابل به عنوان پناهنده زندگی کرد. آقای توخی حالا در هلند زندگی می کند.

او این بار مهمان برنامه به عبارت دیگر است.

طالبان پس از تصرف کابل دکتر نجیب الله را از دفتر سازمان ملل متحد بیرون آوردند و او را در مهرماه سال 1375 خورشیدی کشتند. مهمان من از آنجا فرار کرد و سالها است در هلند زندگی می کند چرا نجیب الله نتوانست از آنجا فرار کند.

آقای محمد اسحاق توخی به برنامه به عبارت دیگر خوش آمدید.

تشکر

**شما 14 سال دستیار دکتر نجیب الله بودید چه در سازمان امنیت کشور و چه در ریاست جمهوری و چهار سال با او در دفتر سازمان ملل متحد در کابل بودید. فکر پناهنده شدن به دفتر سازمان ملل متحد از کجا به وجود آمد چرا سعی نکردید از کشور خارج شوید.**

طرح صلح ملل متحد که در نتیجه یک توطئه تخریب شد، دکتر نجیب الله تصمیم گرفت که دفتر سازمان ملل پناهنده شود. اوضاع زمانی بد شد که موازی با طرح صلح ملل متحد که دکتر نجیب الله آنرا دنبال می کرد یک توطئه کودتایی دیگری موازی با آن آغاز شده بود.

### در کجا؟ در درون حزب دموکراتیک یا در بیرون؟

هم در درون حزب آغاز شده بود وسایل و ابزار توطئه در درون حزب بود و هم در میان مجاهدین، اصلاً بگویم که ریشه این توطئه از بیرون آب می خورد. در روسیه آن وقت. و براساس این توطئه که توطئه برپادی افغانستان و ناکام کردن طرح پنج فقره ای سازمان ملل متحد بود، ولایات شمالی افغانستان یکی پی دیگری در دست نیروهای شورشی دوستم، شورای نظار و حزب وحدت افتاد.

**ولی قبل از آن بین نجیب الله و مجاهدین مذاکراتی بود و همه آنها دلالت بر این می کرد که موقعیت دکتر نجیب آنقدر بد نباید باشد. حتی احتمال این می رفت که نوعی همکاری میان او و مجاهدین شکل بگیرد. ولی بعدا چه اتفاق افتاد که احساس خطر کرد؟ خطر جانی او را تهدید می کرد؟ چرا؟**

تهدید از آنجا آغاز شد که دکتر نجیب الله با بخشی از مجاهدین تماس هایی داشت، از جمله با محاط ملی به رهبری پیر گیلانی و جبهه نجات به رهبری صبغت الله مجددی. با این گروه ها تماسهایی وجود داشت. اما با بخشهای دیگری از گروه های مجاهدین مثل جمعیت اسلامی به رهبری برهان الدین ربانی هنوزتماسی نبود، که توطئه ها آغاز شد.

روسها از طرح سازمان ملل متحد حمایت نکردند این مساله بعدها مشخص شد. و به همین اساس بود که وقتی در سال 1991 برهان الدین ربانی بعد از آنکه کودتای تندروان به ناکامی انجامید، به مسکو سفر کرد و مقامات روسیه فدراتیف به صورت رسمی در یک کنفرانس خبری اعلام کردند که ما از دولت به رهبری برهانالدین ربانی حمایت می کنیم درحالی که دولت دکتر نجیب الله هنوز سرچایش بود.

**ولی آقای توخی این خیلی طبیعی است که وقتی جنگ است طرفهای درگیر گاهی باهم صحبت می کنند. چنین چیزی درمناطق مختلف جهان دیده شده است. حالا اینکه آقای ربانی رفته با روسیه صحبت کرده می تواند به معنای توطئه نباشد، می تواند به این معنا باشد که نیروهای دولتی که دکتر نجیب در راس آن بود جنگ را باخته بودند.**

نیروهای دولت افغانستان جنگ را باخته بودند، شدید ترین جنگ بعد از خروج شوروی حمله گروه های مجاهدین به جلال آباد بود. در این جنگ مشخص شد برای غرب و همه کشورهای دیگر که این دولت (دولت نجیب الله) توان دفاع از خود را دارد.

بعد از خروج شوروی سه سال امور به دست افغانها بود وقتی که دکتر نجیب الله بعد از سقوط شوروی رسما از طریق بنان سوان نماینده سازمان ملل متحد، توافق خود را برای کنار رفتن از قدرت در چارچوب طرح صلح ملل متحد اعلام کرد، اوضاع به صورت دیگری تغییر کرد. به گونه ای که بعضی از اعضای رهبری حزب، در تفاهم با شورای نظار و به طور مخفی، در صدد ناکام کردن طرح صلح ملل متحد بر آمدند. شما ویدو کلیپ هایی را که اخیرا منتشر شده شاید دیده باشید که آن بخش از اعضای حزب بعدا همراه با نیروهای احمدشاه وارد کابل شدند.

**شما همه اینها را به حساب این می گذارید که شوروی آن وقت علیه دکتر نجیب الله توطئه کردند و خواستند که مجاهدین به سر قدرت بیایند، اگر موقعیت نجیب طوری بود که می توانست هنوز مقاومت کند و حتی طرح صلح سازمان ملل متحد را به پیش ببرد چرا روسیه ترجیح می دهد که متحد قدیمی اش را رها کند و از مخالفانش حمایت کند.**

روسیه فدراتیو که از میان خرابه های شوروی سابق سربلند کرده بود. مصروف سرپا ایستادن خود بود توان حمایت از آسیای میانه را که زمانی جزئی از اتحاد جماهیر شوروی بود نداشت. آنها از این بیم داشتند که اگر دکتر نجیب الله بتواند سرپای خود بیاستد. شاید جمهوریت های آسیای میانه جذب کشورهای غربی شوند. بنا بر آن آنها خواستار افغانستانی بودند که دچار آشوب و نا آرام باشد. تا نتواند جمهوریت های آسیای میانه ارتباط خود را از طریق افغانستان با کشورهای غربی برقرار کنند.

**این البته تحلیل شما است.**

بلی این تحلیل من است و من به پای آن ایستاده ام.

**بسیار خوب 4 سالی که شما و دکتر نجیب در دفتر سازمان ملل متحد به نحوی زندانی بودید، در دفتر زندان ملل، در این مدت اتفاقی افتاد که به شما نشان دهد که شما آزادید و می توانید بیاید بیرون؟**

هیچ نشانه ای دیده نشد. برعکس چند بار که نمایندگان سازمان ملل متحد به کابل آمدند، از دولت مجاهدین تقاضای خروج دکتر نجیب الله را کردند. آنها بارها رسماً اعلام کردند رسماً حتی خود پطروزیالی دبیرکل سازمان ملل اعلام کرد که خروج مصون دکترنجیب الله جز طرح صلح سازمان ملل متحد بود. که باید او از افغانستان بیرون شود و به کشور دلخواه خود برود. ولی حکومت مجاهدین در آن زمان با این تقاضا موافقت نکرد. درحالی که بسیاری از سران حزب دموکراتیک خلق که با مجاهدین در تفاهم بودند به همکاری مجاهدین از کشور خارج شدند.

**چهار سال گذشت شما درمقر سازمان ملل بودید تا اینکه طالبان کابل را تصرف کردند و درست در شب 27 سپامبر 1996 دقیقاً چه اتفاق افتاد. چه کسانی آمدند و دکتر نجیب را با خود بردند.**

ساعت یک شب بود که کسانی به نام طالبان آمدند و به دکتر نجیب الله گفتند که شما را رهبری ما خواسته که به ارگ بیائید نجیب گفت من پناهنده ام اینجا و نمی خواهم از اینجا خارج شوم.

**کی ها بودند اینها؟**

اینها چند نفر بودند که لباس شخصی داشتند، مسلح بودند و گفتند ما طالب هستیم بالاخره دکتر نجیب الله را بزور بردند.

ساعت شش صبح دوباره باز آمدند و به برادر دکتر نجیب الله گفتند که شما را برادر تان خواسته است، و برادر دکتر نجیب الله را نیز با خود بردند.

**ولی شماری از مجاهدین از جمله مارشال فهیم گفته اند که کسانی از طرف مجاهدین رفته بودند و گفته بودند که بیائید با ما خارج شوید یعنی با ما بروید به طرف شمال، یعنی ظاهراً می خواسته اند جان دکتر نجیب الله و شما را حفظ کنند؟**

بله آن بار هم یک فرد نظامی که نه نامه رسمی داشت و شناخته نمی شد که او کیست؟ وارد دفتر ملل متحد شد و گفت که حامل پیام فهیم است برای ترک کابل. دکتر نجیب الله این را دریافته بود که در چهارسال حکومت مجاهدین به او اجازه خروج داده نشد.

**ولی فهیم می گوید که او یک شخص نا شناس نبود بلکه فردی بود به نام آقای جلال که قبلاً هم فرد رابط بوده بین نجیب و فهیم و می شناخته اند همدیگر را**

نه اینها ادعای بی اساس است، فردی بود که ما او را نشناختیم. دکتر نجیب الله درک کرده بود که در این موقع، خارج شدن از دفتر سازمان ملل متحد گرفتار شدن دردام کسانی است که نمی خواست در پایان عمرش گرفتار آنها شود.

دکتر نجیب الله به دفتر سازمان ملل متحد ارج می گذاشت و این توقع را از حکومت کابل هم داشت که به دفتر سازمان ملل متحد احترام بگذارند. و همین انتظار را از فاتحین کابل هم داشت که محوطه ملل متحد را احترام بگذارند.

**ولی صحبت های دیگر هم هست آقای توخی، از جمله اینکه دکتر نجیب الله به نحوی مطمئن شده بود که طالبان کاری به کار او نخواهند داشت. حتی گفته می شود که به او اطمینان خاطر هم داده شده بود که نگران نباشد.**

نه نه این یک گپی است که اساس ندارد دکتر نجیب الله ترجیح داد که همانجا بماند تا اینکه نا آگاهانه خود را در یک موقعیتی قرار دهد که ممکن است برایش خطر ناک باشد به همین دلیل آنجا را ترک نکرد همانگونه که در هنگام ورود مجاهدین به کابل هم تشخیص داد که به دفتر مجاهدین برود و مجاهدین حریم دفتر سازمان ملل را نقض نخواهد کرد به همین رابطه در همانجا ماند.

**می گویند طالبان دو دسته بودند، دسته ای می خواستند او را نجات دهند و دسته دیگری می خواستند او را بکشند.**

من در این مورد نمی توانم چیزی بگویم. اساساً قتل دکتر نجیب الله کار طالبان نبود کار سازمان استخباراتی پاکستان بود، طالبان یک پوشش برای این کار بودند. طالبان در اولین ساعاتی که وارد کابل شدند، دکتر نجیب الله را کشتند در حالی که آنها کابل را دقیقاً بلد نبودند.

**خب ولی همه می دانستند که دکتر نجیب در دفتر ملل متحد است یافتن او مشکل نبود.**

طالبان نمی دانستند. طالبان در ساعت یک شب نمی توانستند که بروند درهای خانه های مردم را بزنند و از آنها بپرسد که دفتر سازمان ملل کجاست؟

**آقای توخی، چرا شما را نبردند؟**

ما را هم می بردند، دو نفر از کارکنان خارجی سازمان ملل متحد که یکی از ترکیه بود و دیگری از استرالیا بود آنها آمدند و به ما اطلاع دادند که دکتر نجیب را طالبان به شهادت رسانده اند. آن وقت هنوز در خروجی دفتر سازمان ملل متحد توسط نفرات طالبان کنترل نمی شد، بنا من و بادیگارد دکتر نجیب دفتر را ترک کردیم و از طریق جلال آباد به پاکستان و در آنجا بازهم به دفتر سازمان ملل متحد رفتیم.

**ولی بار اول که دکتر نجیب را بردند شما را نخواستند؟**

نه ما را نخواستند.

**شما می گوئید که بار اول که او را بردند شما پرسیدید که ما هم بیائیم یا نه؟**

بلی ما پرسیدیم و آنها گفتند که نه شما را نخواستند هنوز نخواستند.

**چرا شما این سوال را کردید؟**

خب ما که از مرگ دکتر نجیب الله چیزی نمی دانستیم، ما گفتیم که ما باهم هستیم، برادرش هم گفت، اما آنها گفتند که نه شما را نخواستند است.

**فکر می کنید چرا دکتر نجیب الله را کشتند؟ شما پاکستان را مسئول می دانید ولی اصولاً نجیب الله که خطری برای کسی نبود. حتی مجاهدین از قدرت برکنار شده بودند. و اوضاع افغانستان از اوضاع گذشته کنده شده بود.**

دکتر نجیب الله در پنج سال حکومت مجاهدین در افکار عامه به عنوان یک شخصیت ملی تبارز کرده بود پاکستانی ها این را تشخیص دادند که در موجودیت شخصیت های کارازماتیک چون دکتر نجیب الله سخت است که گروه های تحت نفوذ پاکستان بتوانند در افغانستان حکومت کنند. آنها هر شخصیت را که صبغه ملی می داشتند دوست نداشتند و چهره و شخصیت نجیب الله برای پاکستان کاملاً روشن بود و آنها چنین شخصت هایی را برای افغانستان نمی خواستند.

**حالا برگردیم به زمان مذاکرات و گفت و گو ها، صحبت برسر چی بود؟ بین نجیب و مجاهدین، چه پیشنهاد هایی به مجاهدین می دادید، گویا پیشنهاد داده شده بود وزارت دفاع برای احمدشاه مسعود مثلاً.**

مذاکره با احمد شاه مسعود نبود، یک پست برای احمد شاه مسعود پیشنهاد شده بود که اگر شما بیاید در یک حکومت که در آن تمامی احزاب ائتلافی سهم داشته باشند. به شمول حزب وطن و در چارچوب صلح سازمان ملل و این پیشنهاد به همه داده شده بود به همه گروه های مجاهدین.

مذاکرات دیگری که انجام شده بود هنوز در مراحل مقدماتی بود، دکتر نجیب یک مذاکره با سید احمد گیلانی در سوئیس داشت و ملاقات دیگری در عراق داشت. البته با رهبران احزاب معتدل. با شاه سابق هم روابطی داشتند. تشخیص نجیب الله این بود که برای برقراری صلح از آنجایی که جامعه افغانستان یک جامعه سنتی است باید شاه سابق بازگردانیده شود بیاید به افغانستان و در افغانستان یک حکومت ائتلافی تشکیل شود. و شاه سابق در راس این حکومت قرار بگیرد. اما احزاب اسلامی بنیاد گرا که حزب به رهبری سیاف و برهان الدین ربانی و گلبدین حکمتیار در راس آن بودند، طرح دکتر نجیب الله را قبول نکردند.

**یعنی علت شکست اون طرح دکتر نجیب و پادرمیانی سازمان ملل صرفاً بخاطر این بود که این نیروها موافقت نکردند.**

بلی بلی، کاملاً

**پس توطنه ای در کار نبوده؟**

ولی در اخیر اینها قبول کردند که اگر دکتر نجیب الله در قدرت نباشد، ما می پذیریم.

**خب و دکتر نجیب قبول کرد که کنار برود؟**

بلی

**خب چرا شکست خورد؟**

اول بگویم که در 28 مارچ 1992 آمادگی اش را برای کناره گیری از قدرت اعلام کرد. از این به بعد آمریکایی ها از طرح سازمان ملل حمایت عملی چندانی نکردند و روسها آنرا توسط شماری از اعضای حزب دموکراتیک خلق و نیروهای احمد شاه مسعود تخریب کردند.

**شما آقای توخی تصویر خیلی مثبتی از نجیب الله می سازید بعنوان یک شخص میهن دوست که اواخر هیچی علاقه ای بجز منافع ملی افغانستان نداشت ولی ایشان زمانی که رئیس سازمان امنیت و خاد بود یک تصویری دیگری مردم ازش می ساختند بعنوان قصاب خطاب می کردند.**

من تصویر نمی سازم دکتور نجیب با سیاستهای خود با عملکرد صادقانه خود در برابر وطنش تصویرش را خودش ساخته بود من با این طرح شما موافق نیستم که دو شخصیت داشت یک شخصیت داشت زمانیکه رئیس اداره اطلاعات بود سیاستهایی را تعقیب می کرد زمانی که رئیس جمهوری شد سیاستها را تعیین می کرد.

شما انجا هم آنجا سمت خیلی مهمی داشتید افراد را شکنجه می کردند می کشتند در سازمان امنیت.

نه نه من برای شما بگویم که اداره اطلاعات افغانستان که داکتر نجیب الله رهبری ان را به عهده داشت در زمانی تاسیس شده بود که افغانستان به حیث داغترین میدان جنگ سرد بین قدرتهای بزرگ تبدیل شده بود، اداره اطلاعات افغانستان تنها با چند شورشی افغان در داخل کشور مواجه نبود با ده ها هزار بنیاد گرای اسلامی که از مراکش تا اندونیزیا به افغانستان سرا زیر شده بودند در مبارزه بود، مبارزه و سیع و گسترده که مورد پشتیبانی بی دریغ محافل بنیاد گرا از بیرون قرار داشت.

در چنین وضعیتی طبیعی است ارگان اطلاعات امنیت دولتی افغانستان هم کارکردش دچار اشکالهایی شده بود و جنگ روانی و تبلیغات علیه حکومت آن زمان افغانستان و علیه سازمان اطلاعاتی افغانستان به راه افتاده بود ذهنیت عامه بی تاثیر بوده نمی توانست که گویا خاد یک چهره نسبتا زشت وتند داره تا جایکه من میدانم دکتور نجیب در آن وقت مطابق قوانین نافذ افغانستان اداره خدمات را رهبری می کرد.

**سوال دکتور نجیب از یک چهره خیلی انقلابی مارکسیستی تبدیل شده بود به یک چهره ملی بیشتر در این اواخر، این تغییر فکر از نظر ایدولوژیکی هم شده بود، یعنی دیگه مارکسیست نبود؟**

اساسا حزب دموکراتیک خلق افغانستان حزب مارکسیستی نبود برنامه حزب دموکراتیک خلق افغانستان برنامه مارکسیستی نبود و یکی هسته مرکزی آرمان حزب دموکراتیک خلق افغانستان را ترقی اجتماعی و عدالت اجتماعی تشکیل می داد. دکتور نجیب اختلاف نظری با رهبری حزب نداشت فقط می خواست در چارچوب یک سیاست مسالمت آمیز در چارچوب پلورالیسم سیاسی حزب وطن در کنار سایر احزاب به مبارزه خود ادامه بدهد به همین منظور بود که برنامه مصالحه ملی را طرح کرد مطابق برنامه مصالحه ملی یک حکومت تشکیل داد که در آن 90 فیصد افراد غیر حزبی بودند. صدراعظم خالقیار بود که از پارلمان رای اعتماد گرفته بود قانون احزاب سیاسی تصویب شد احزاب سیاسی مطابق به همان قانون تبارز کردند اینها اقداماتی بود که دکتور نجیب الله انجام داد اقداماتی که با واقعیت های جامعه افغانستان مطابقت داشت.

**در این چهار سالی که شما در دفتر سازمان ملل متحد بودید راجع به چه صحبت می کردید با هم دیگه، زندگی شما چگونه می گذشت؟**

در دفتر ملل متحد با گذشته های خود و اشتباهاتی که انجام داده بودیم با کار کرد های خوبی که شده بود به اشتباهاتی که شده بود به علل و عواملی که موجب سقوط حاکمیت گردید در مورد تمام اینها صحبت می کردیم حرف می زدیم.

**چقدر امید وار بود دکتور نجیب به آینده که روزی خارج شود و زندگی سیاسی اش را شروع کند.**

دکتور نجیب آدم بسیار مثبت نگر بود در زندگی جسارت و مثبت نگری اش به همه معلوم بود، خوش بین بود به آینده کشور خود بدبین نبود امید وار بود که از دفتر ملل متحد بیرون بیاید باز

هم بتواند به وطن خود برای مردم خود خدمت بکند این امیدواری را هر دوی ما داشتیم که متأسفانه بخت یاری نکرد.

**خود شما وقتی از دفتر سازمان ملل آمدید بیرون نوشته اید که خودم را به پاکستان در دفتر سازمان ملل رساندم ولی توضیح نمی دهید که چطوری؟**

از کابل از مسیر جلال آباد رفتم همه راه ها به تازگی باز شده بودند.

**چطور از دفتر سازمان ملل آمدید بیرون؟**

ما از دیوار عقبی دفتر سازمان ملل متحد بیرون شدیم. مجاهدین نگهبانی دفتر سازمان ملل متحد را ترک کرده بودند و طالبان هم هنوز نیامده بودند نگهبانی آنجا را به عهده بگیرند، رفتیم به ایستگاه جلال آباد سوار موترهای جلال آباد شدیم و بعد رفتیم تورخم و از آنجا به پیشاور و اسلام آباد رفتیم.

**کی با شما بود؟**

من و جفسر، محافظ دکتر نجیب الله بودیم. پنج روز در دفتر سازمان ملل متحد در اسلام آباد بودیم بعد آنها با مقامات هند تماس گرفتند، بعد از آن ما با یک هواپیمای صلیب سرخ به دهلی منتقل شدیم و مرا رسماً به مقامات وزارت خارجه هند در دهلی تحویل دادند.

**آیا دکتر نجیب الله نمی توانست به همین شکلی که شما بیرون آمدید فرار کند؟**

من عرض کردم که طالبان در ساعات اول ورود شان به کابل او را گرفتند به او مجال ندادند.

**می گویند شما محرم راز دکتر نجیب بودید حتی نزدیک تر از برادرش به او بودید، آیا چیزی هست که هنوز به ما یا به دیگران نگفته باشید؟**

من محرم راز او در کارهای رسمی اش بودم، چیزهایی را که می دانستم گفتم، چیزهایی هم هست که این روزها مشغولم و آنها را می نویسم و به زودی منتشر می کنم

**آقای توخی ممنون از شما**

تشکر از شما هم